

جامعه‌شناسی مردم‌مدار در کارزار عمل

مایکل بوراوور، دانش‌پژوه فاکس پیون،
ساری حنفی، والدین بنو، و دیگران

ترجمه به‌رنگ صدیقی / روح‌الله گل‌مرادی



عنوان و نام پدیدآور: جامعه‌شناسی مردم‌مدار در کارزار عمل / مجموعه مقالاتی از مایکل بوراووی... [و دیگران]: ترجمه بهرنگ صدیقی، روح‌الله گلمرادی؛ ویراستار رحمان سهندی. ● مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۷ ● نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۷ ● مشخصات ظاهری: ۲۵۰ ص. ● شابک: ۵-۵۸۳-۹۶۴-۹۷۸ ● وضعیت فهرست‌نویسی: فیا ● یادداشت: عنوان اصلی: Precarious Engagement: Combat in the Realm of Public Sociology ● یادداشت: مجموعه مقالاتی از مایکل بوراووی، فرانسیس فاکس پیون، ساری حنفی، والدین بلو... ● یادداشت: واژه‌نامه. ● موضوع: جامعه‌شناسی کاربردی Applied sociology، جامعه‌شناسی Sociology ● شناسه افزوده: بوراووی، مایکل، ۱۹۴۷-م. Burawoy, Michael، صدیقی، بهرنگ، ۱۳۵۰- مترجم: گلمرادی، روح‌الله، ۱۳۶۹- مترجم. ● رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ج ۲ / ۵۲۹ / HM ● رده‌بندی دیویی: ۳۶۰ ● شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۷۶۰۴۶

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان



جامعه‌شناسی مردم‌مدار در کارزار عمل

Current Sociology

مایکل بوراووی، فرانسیس فاکس پیون،

ساری حنفی، والدین بلو، و دیگران

Michel Burawoy, Frances Fox Piven,

Sari Hanafi, Walden Bello, and co.

مترجمان: بهرنگ صدیقی / روح‌الله گلمرادی

ویراستار: رحمان سهندی

صفحه‌آرایی: الهه خلیج‌زاده

طرح جلد: پرویز بیانی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

چاپ اول: تهران، ۱۳۹۷، ۷۰۰ نسخه

شابک: ۵-۵۸۳-۹۶۴-۹۷۸

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸۰۹، نمایر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreny.com ● email: info@nashreny.com ● nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

معرفی نویسنده	۹
پیش گفتار (مایکل بوراووی / ترجمه بهرن صدیقی)	۱۹
مقدمه: جامعه‌شناسی همچون ورزشی رزم (مایکل بوراووی / ترجمه بهرن صدیقی)	۳۹
جامعه‌شناسی همچون ورزشی رزمی	۳۱
از مفهوم رزم به مفهوم میدان	۳۴
تنگناها در تلاقی میدان‌های آکادمی و سیاست	۳۸
آسیای بادی جامعه‌شناختی	۴۴
میدان مین سیاسی	۴۹
حقایق تلخ	۵۷

آسیای بادی جامعه‌شناسی ۶۵

جامعه‌شناسی دوزیست: تنگناها و امکان‌های جامعه‌شناسی مردم‌مدار	
در جهانی چندرسانه‌ای (سزار رودریگز-گرویتو / ترجمه روح‌الله گل‌مرادی)	۶۷
آسیای بادی جامعه‌شناختی در عمل	۷۰
دن کیشوت علیه آسیای بادی: تنگنای جامعه‌شناسی مردم‌مدار	۷۶
جامعه‌شناسی دوزیست: جامعه‌شناسی مردم‌مدار در جهانی چندرسانه‌ای	۸۱

در بحبوحه جنگ داخلی: درباره جامعه‌شناس مردم‌مدار شیزوفر نیک

- ۸۹ (نئدینی موندلار / ترجمه روح‌الله گلرادی)
- ۹۴ خصوصیات جامعه‌شناسی حرفه‌ای در هند
- ۱۰۰ تعهد جامعه‌شناختی به مردم
- ۱۰۴ مطالبات عمومی: زمان، مکان، و «مردمان»
- ۱۰۸ دستاوردهای پژوهشی
- ۱۱۱ بافتن و بستن نهادی

درگیری انتقادی در میدان‌های قدرت: چرخه‌های اکتیویسم جامعه‌شناختی

- ۱۱۷ در آریقای (و بی‌پسایار ناید (کارل فن هلت / ترجمه روح‌الله گلرادی)
- ۱۱۸ مقدمه: جامعه‌شناسی مردم‌مدار در دوره بازسازی پس از گذار
- ۱۲۱ گذار و دگرگونی
- ۱۲۳ مرحله اول: جامعه‌شناسی مردم‌مدار، پژوهش و بسیج
- ۱۳۰ مرحله دوم: از جامعه‌شناسی مردم‌مدار به جامعه‌شناسی سیاست‌گذار
- ۱۳۵ مرحله سوم: از قلمرو جامعه‌شناسی مردم‌مدار به جامعه‌شناسی حرفه‌ای/انتقادی
- ۱۳۷ مرحله چهارم: بازگشت به جامعه‌شناسی سیاست‌گذار
- ۱۳۸ جامعه‌شناسی مردم‌مدار و درگیری انتقادی

میدان مین سیاسی

درگیری‌های پیچیده: حرکت از جامعه‌شناسی سیاست‌گذار به جامعه‌شناسی

- ۱۴۹ مردم‌مدار در دنیای عرب (ساری حنفی / ترجمه بهرنگ صدیقی)
- ۱۵۱ دمشق، قاهره، و رام‌الله: سینه‌خیز به سمت جامعه‌شناسی مردم‌مدار
- ۱۵۵ بیروت: زمان رویارویی
- ۱۵۹ کارزار حق به کار
- ۱۶۳ مذاکره برای بازسازی اردوگاه پناهجویان نهر البارد
- ۱۶۵ سند وین: الگویی برای طرد
- ۱۶۸ در میانه علوم اجتماعی انتقادی و مردم‌مدار

اتحاد کارگر-روشنفکر: مداخله ترامرزی جامعه‌شناختی در فاکس کان

۱۷۳ (پون گای و همکاران / ترجمه روح‌الله گل‌مرادی)

۱۷۹ بیانیه عمومی

۱۸۴ بافت و بستر سیاسی

۱۸۵ پژوهشی جمعی

۱۸۸ وجهه عمومی شرکت آپل: «مراقبت و تعهد»

۱۹۰ تعهدات تازه فاکس کان

۱۹۲ اقدام ترزی و کارزار جهانی

۱۹۵ ملاحظه بهایی

قدرت هم‌پشت راهبرد برای جنبش اشغال

۱۹۹ (فرانسیس فاکس پرور / ترجمه بهرنگ صدیقی)

روش‌شناسی ارتباطی: کنش‌های کیفیت‌آمیز و دموکراسی گفت‌وگویی

۲۱۷ (رامون فلچا و مارتا سولر / ترجمه بهرنگ صدیقی)

۲۲۳ دموکراسی گفت‌وگویی و روش‌شناسی ارتباطی

۲۳۱ اجماع میان دانشگاه، جامعه مدنی، مردم، و دولت

حقایق تلخ ۲۳۹

مداخلات جامعه‌شناسی: ورود به رسانه و سیاست در مقام دانش‌پژوه اجتماعی

۲۴۱ (میشل ویویرکا / ترجمه روح‌الله گل‌مرادی)

۲۴۳ مداخله جامعه‌شناختی

۲۴۸ ارتباط با سیاست

۲۵۲ تنگناهای جامعه‌شناسی مردم‌مدار

۲۵۶ هدف‌گیری مخاطبان

راه پُرپیچ و خمِ جنسیت: رویاروییِ فمینیسم با پدرسالاریِ روسی

- ۲۶۱ (آنا تمکینا و آنا دراوِملووا / ترجمه بهرنگ صدیقی)
- ۲۶۳ «کشف» جنسیت و هویت حرفه‌ای
- ۲۶۷ تنگناهای «حال و هوای جنسیتی» در دههٔ ۱۹۹۰
- ۲۶۷ ظهور مطالعات جنسیت
- ۲۷۲ همکاری‌های بین‌المللی
- ۲۷۴ جامعه‌شناسی مردم‌مدار در بافت و بستر پدرسالاری
- ۲۷۷ خصوصیت فزاینده نسبت به فمینیسم و واکنش ما
- ۲۸۰ پس‌زدن جنسیت و تقاضا برای تخصص در جنسیت
- ۲۸۲ مؤلفان و سبک‌ها در جنسیت در روسیه دوران پوتین
- ۲۸۸ فت‌ویسنده‌های سیاسی و رشد سنت‌گرایی
- ۲۸۹ مطالعات رویه‌مدار، متخصصان جنسیت
- ۲۹۱ نتیجه‌گیری

حقایق تلخ: روشنفکر مردم‌مدار و یگیری حقیقت، عدالت، و قدرت

- ۲۹۷ (والدن بلو / ترجمه روح‌الله گ...)
- ۲۹۹ حقایق فقط از مسیر کنش تحقق می‌یابند
- ۳۰۱ روش‌های نامتعارف
- ۳۰۴ تئوری و عمل

نتیجه‌گیری ۱۳

جامعه‌شناسی به‌مثابهٔ پیشه: تعهد اخلاقی و تخیل علمی

- ۳۱۵ (مایکل بوراووی / ترجمه بهرنگ صدیقی)

پیوست ۳۲۷

- ۳۲۹ آموزش جهانی در عصر دیجیتال (لیلا بهبهانیان و مایکل بوراووی / ترجمه بهرنگ صدیقی)

- ۳۴۳ واژه‌نامه

پیش‌گفتار^۱

مایکل بوراووی
ترجمه به‌رنگ صدیقی

در دهه گذشته شاهد بحث سکوفایی درباره جامعه‌شناسی مردم‌مدار بوده‌ایم. من در این باره ۳۵ مجموعه مقاله منتشر شده در نشریه‌ها و کتاب‌های گوناگون یافته‌ام؛ در چین، روسیه، برزیل، افریقای جنوبی، فرانسه، آلمان، دانمارک، ایران، ایتالیا، کانادا، لهستان، مجارستان، نروژ، فنلاند، رنغال، انگلستان و البته در ایالات متحده آمریکا. جز این، ترجمه‌ها و مقالاتی تألیفی متعددی نیز هستند که به بسیاری از زبان‌ها منتشر شده‌اند. البته ایده جامعه‌شناسی مردم‌مدار ایده جدیدی نیست. همواره [در جامعه‌شناسی] فراخوان‌هایی برای جلب توجه به مردم بوده است که نخستین آن‌ها همان عبارت مشهور مارکس در «مقدمه» [۱۸۴۸] تغییر جهان در عین فهم آن بوده است و همچنین مدعای دورکیم مبنی بر این که - جامعه‌شناسی اگر صرفاً نظرورزی باشد ارزش یک ساعت صرف وقت هم ندارد در واقع، جامعه‌شناسی مردم‌مدار در بسیاری کشورهای امریکای لاتین و نیز در افریقای جنوبی سنتی کاملاً جاافتاده است. پس چرا حالا این سیل جروب‌های کینه‌توزانه [علیه آن] راه افتاده است؟

1. Burawoy, Micheal (2014). "Prefacet", *Current Sociology*, 62 (2): 135-139.

نخستین و آشکارترین علت را باید در همین بزنگاه تاریخی جست‌وجو کنیم. ما در عصر بنیادگرایی بازار زندگی می‌کنیم که در آن بازارها نوعاً راه‌حل تمامی مسائل دانسته می‌شوند؛ از فقر گرفته تا تغییرات اقلیمی و از رکود اقتصادی تا بی‌ثباتی سیاسی. جامعه‌شناسی در جدل با رویکردهای بازارمحور و تئوری‌هایی که این رویکردها متکی به آن‌هاست، یعنی تئوری‌های فایده‌باورانه کنش، سستی دیرینه دارد — از بحث‌های مارکس و دورکیم و وبر در این خصوص گرفته تا پارسونز و پولانی و بوردیو و والرش‌تاین. این سنت تا فمینیسم، مطالعات فرودستان، تئوری پسااستعماری، و بیشتر در کلی جامعه‌شناسی در جهان جنوب امتداد یافته. نقد جامعه‌شناسی به بازاری‌سازی در زمانه‌ای که تولید خود دانش نیز با خصوصیات سیاسی دانشگاه کالایی‌سازی شده بیش از پیش نقادی بجاست. مادامی که دانشگاه هر چه بیشتر به فروش دانش متکی می‌شود — هم برای نشر دانش موجود هم برای تولید دانش جدید — بقای جامعه‌شناسی و همچنین دیگر رشته‌های دانشگاهی با سدت بیش‌تر در معرض خطر قرار می‌گیرد.

در واکنش به این شرایط، جامعه‌شناسی چه‌بسا در جست‌وجوی خدمت شرکت‌ها برای فروش محصولات‌شان قرار گیرد. با کمک سازمان‌های دولتی برای کشف شبکه‌های تروریستی بیاید — یعنی همان‌ها که [پیش‌تر] جامعه‌شناسی سیاست‌گذار نامیده‌ام.^۲ در مقابل، جامعه‌شناسان می‌توانند جماعت‌های دیگری را، که آنان هم از بازاری‌سازی صدمه دیده‌اند، برای اتخاذ رویکردهای انتقادی در این‌باره مجاب کنند — مراد همان جامعه‌شناسی مردم‌مدار است. البته این بسیار دشوار است، چرا که جامعه‌شناسی باید با پیام‌هایی مقابله کند که به

1. commodified

۲. در این مورد ن.ک: بوراووی. مایکل (۱۳۹۴). «در باب جامعه‌شناسی مردم‌مدار»، ترجمه بهرننگ صدیقی، در *جامعه‌شناسی مردم‌مدار: جامعه‌شناسی در قرن بیست‌ویکم*، گروه نویسندگان، ترجمه بهرننگ صدیقی و همکاران، تهران، نشر نی، ص ۴۵-۱۱۵. م.

پشتوانه سازمان‌هایی قَدَر و برخوردار از منابعی عظیم صادر می‌شوند — یعنی با مجتمع‌های رسانه‌ای^۱، دولت‌ها، و شرکت‌ها. جامعه‌شناسی در مقایسه با رقابیش در حوزه عمومی، نه فقط منابع اندکی در اختیار دارد که پیام‌هایش نیز غالباً تقابلی عمیق با ادراکات عوامانه^۲ دارند. جامعه‌شناسی مردم‌مدار و وظیفه‌ای سزیف‌وار بر دوش دارد. از سویی وسوسه می‌شویم، به جای جامعه‌شناسی مردم‌مدار، یا به دانشگاه-تب‌نیشینی کنیم یا دست‌اوردهایمان را به مزایده بگذاریم. از سوی دیگر، با انتخاب مسیر جامعه‌شناسی مردم‌مدار، همانا خوش خدمتی به ادراکات عوامانه و [بنابراین] وانهادن جامعه‌شناسی اغوامان می‌کند که این هم خرد تحریفی است پی‌ریزی‌ی در جامعه‌شناسی مردم‌مدار.

جدول ۱. تقسیم کار دانشگاهی

مخاطب بیرون دانشگاهی	مخاطب دانشگاهی	
سیاست‌گذار	حرفه‌ای	دانش‌پژوهی
مردم‌مدار	انتقادی	دانش‌پژوهی رسانه

فارغ از این بزنگاه تاریخی، تلقی جامعه‌شناسی مردم‌مدار به منزله یکی از چهار نوع جامعه‌شناسی بوده که بحث و مشاجره انگیزه است. این چهار نوع، یعنی جامعه‌شناسی‌های حرفه‌ای^۳ و انتقادی^۴ و سیاست‌گذار^۵ و مردم‌مدار^۶،

۱. media conglomerates؛ مؤسساتی که خود مالک چندین شرکت رسانه‌ای در حیطه‌های مختلف اند، از جمله تلویزیون و رادیو و اینترنت و انتشارات. والت دیزنی، فاکس قرن بیستم، و تایم وارنر از جمله این شرکت‌ها هستند. — م.

2. common sense
3. professional sociology
4. critical sociology
5. policy sociology
6. public sociology

صرفاً چهار وجهه^۱ یا چهار گرایش^۲ در جامعه‌شناسی نیستند، بلکه چهار راه^۳ کاربرست جامعه‌شناسی‌اند. این چهار راه نوعی تقسیم کار و تخصص‌گرایی را در این حیطه شکل داده‌اند. مسیر حرفه‌ای را در دانشگاه می‌توان حرکت از یکی از این انواع به دیگری دانست. این تقسیم کار منظم دانشگاهی از دو پرسش بنیادی نشئت می‌گیرد، که مدام فروخورده شده‌اند: دانش برای چه کسی (برای مخاطبان دانشگاهی یا برای مخاطبان برون‌دانشگاهی)؟ و دانش برای چه ها^۴ی؟ (دانش ابزاری^۵ که دغدغه ابزار و وسایل [دستیابی به اهداف] را دارد، یا دانش بازاندیشانه^۶ که دغدغه‌اش بحث درباره اهداف است). با ترسیم جدول تقاطعی ای^۷ د بعدی به چهار چارک^۸ دست می‌یابیم (جدول ۱): دانش ابزاری که یا تمرکزش بر بهام‌های برنامه‌های پژوهشی است (دانش حرفه‌ای) یا بر مسائلی که متعلق به نشر و مرجع می‌کنند (دانش سیاست‌گذار)؛ و دانش بازاندیشانه که یا تمرکزش بر گفت‌گو، انتقادی درباره بنیان‌های دانش در رشته‌های علمی است (دانش انتقادی) یا بر گفت‌وگوی عمومی درباره ارزش‌هایی که در جامعه باید پیگیری شوند (دانش مردم‌مدار). هریک از این دانش‌ها تعبیر خود را از حقیقت و صدق دارند. خط ششم^۹ ای خود را دنبال می‌کنند، مبانی خود را برای مشروعیت‌یابی دارند، و شوبه^{۱۰} خود را برای پاسخ‌گویی پی می‌گیرند. هریک از آن‌ها، وقتی خود را از توان^{۱۱} یگر متمایز می‌کنند، در معرض آسیب قرار می‌گیرند — جامعه‌شناسی حرفه‌ای^{۱۲} به خودارجاعی^{۱۳} دچار می‌شود، دانش انتقادی به جزم‌اندیشی^{۱۴} گرفتار می‌آید، دانش سیاست‌گذار به

-
1. face
 2. orientation
 3. way
 4. instrumental knowledge
 5. reflexive knowledge
 6. quadrants
 7. self-referential
 8. dogmatic

دام نوکر مآبی^۱ در قبال قدرتمندان می‌افتد، و دانش مردم‌مدار عوام‌پسند^۲ یا عوام‌زده^۳ می‌شود. بنا به روال معمول در هر تقسیم کاری، عناصر متفاوت نه یک کل همساز، که نظامی سلسه‌مراتبی متشکل از روابطی مبتنی بر وابستگی متقابل آنتاگونیستی تشکیل می‌دهند. این نگاه چارچوبی را فراهم می‌آورد برای فهم تغییر و تحولات جامعه‌شناسی در بافت و بستر یک کشور در طول زمان و همچنین گوناگونی آن بین کشورهای گوناگون. این تغییرات و تفاوت‌ها از وزن و اهمیت هریک از این چهار نوع جامعه‌شناسی ناشی می‌شوند، به‌طوری که در برخی از کشورها جامعه‌شناسی مردم‌مدار غلبه دارد و در دیگر کشورها چه‌بسا جامعه‌شناسی مذهب‌مدار، انتقادی، یا سیاست‌گذار غالب باشد. وانگهی، همه رشته‌های دانش‌های اجتماعی را می‌توان به مفضل‌بندی این چهار نوع دانش توضیح داد. این چارچوب بحث و مسائل، های شدیدی را برانگیخته است. هریک از جامعه‌شناسان می‌جنگند تا این تفکیک را به نوع خاصی از جامعه‌شناسی که مورد نظر خودشان است فروبیکند و با آسیب‌گون جلوه‌دادن دیگر انواع به آن‌ها بتازند. جامعه‌شناسان حرفه‌ای جامعه‌شناسی مردم‌مدار می‌تازند، به این بهانه که جامعه‌شناسی را به‌ازای پذیرش در بیان عموم مردم به بلاهت دچار می‌کند. جامعه‌شناسان سیاست‌گذار به جامعه‌شناسی مردم‌مدار تهمت می‌زنند که جامعه‌شناسی را «سیاست‌زده»^۴ می‌کند و، بنابراین، تأثیر جامعه‌شناسان را که متکی‌اند بر علم بی‌طرف جامعه‌شناسی به خطر می‌اندازد. جامعه‌شناسان انتقادی به نقد جامعه‌شناسی حرفه‌ای می‌پردازند، از این زاویه که بنیان‌های ارزشی پژوهش‌هایش را پنهان می‌کند. همچنین، از جامعه‌شناسان سیاست‌مدار انتقاد می‌کنند که در خدمت قدرتمندان قرار می‌گیرند. جامعه‌شناسان مردم‌مدار

1. captive

2. populist

3. faddish

4. politicizing

نیز از نامربوط بودن^۱ جامعه‌شناسی حرفه‌ای انتقاد می‌کنند، و از این که خود را وقف مناسبی کردار علمی کرده است. من که از ادغام هر چهار نوع در رشته جامعه‌شناسی دفاع می‌کنم، همه را با خود دشمن کرده‌ام و در معرض حمله‌های خصمانه هر چهار گروه قرار گرفته‌ام. اما مهم فقط اعتبار و به‌کرسی نشستن این طرح چهار چارگی به‌منابۀ چارچوبی زیربنایی است. همین که بحث جامعه‌شناسی مردم‌مدار روانۀ کشورهای دیگر شد، مشاجرات دیگری هم در گرفت. آیا طرح با^۲ وانمایی امر خاص^۳ دیگری به‌منزله امر عام^۴ است؟ آیا [طرح] ایده نوعی جامعه‌شناسی مردم‌مدار متمایز فقط برای بافت و بستری مناسب دارد که در آن رن جامعه‌شناسی حرفه‌ای در رشته جامعه‌شناسی سنگینی می‌کند؟ آیا جامعه‌شناسی مردم‌مدار فقط در شرایطی معنا دارد است که جامعه‌شناسی حرفه‌ای غلبه دارد؟ به‌رحال جامعه‌شناسی در بسیاری کشورها در آسیا، آفریقا، و امریکای لاتین طبیعتاً به ضرورات عمومی می‌پردازد — جز این چه می‌تواند بکند؟ اما این کشورها غالباً با مسئله^۵ هم‌رشد جامعه‌شناسی حرفه‌ای یا دست‌کم غلبۀ جامعه‌شناسی کشورهای شمال مواجه بوده‌اند؛ این امر در رواج متون آموزشی کشورهای شمال برای تدریس و ترویج تئوری‌های آن‌ها برای پژوهش در این کشورها مشهود است — متون آموزشی و پژوهش‌هایی که مبتنی‌اند بر مفروضاتی بیگانه که مثال‌ها و مصادیقی بیگانه^۶ استخراج می‌کنند و در سنت‌هایی بیگانه ریشه دارند. نیاز به نوعی جامعه‌شناسی حرفه‌ای که متکی بر ارزش‌ها، روش‌ها، و یافته‌هایی برآمده از جامعه‌شناسی‌های مردم‌مدار^۷ باشد، نه نقد که تأییدی است بر این طرح چهار چارگی.

بحث‌ها و مشاجره‌هایی از این نوع، ضمن آن‌که بنیان‌های متفاوت

1. irrelevant

2. particular

3. universal

جامعه‌شناسی را روشن می‌کنند، قاطعانه بر باورهای درباره‌ی ماهیت رشته جامعه‌شناسی نیز تأکید دارند — باورهایی که این‌جا و آن‌جا در نظام تقسیم کار ملی یا جهانی مشهودند. شاید بحث درباره‌ی ماهیت جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، و در کل بخش عمده‌ای از دانش آکادمیک بحثی پُراهمیت باشد، اما این بحث به کردوکار^۱ انواع متفاوت دانش و به‌ویژه جامعه‌شناسی مردم‌مدار راه نمی‌برد. [جامعه‌شناسی مردم‌مدار تاکنون از موضع] اخلاقی نكوهش یا ستایش شده، اما در کردوکار از روش‌های صورت نگرفته است. به دلیل همین کمبود، مقالاتی را که در این مجموعه گرد آمده‌اند، کسانی نوشته‌اند که در این میدان حضور داشته و از چالش‌ها و دشواری‌های کار جامعه‌شناسی مردم‌مدار در دوره و زمانه‌ای واقعی و در مکان‌هایی واقعی [تاکنون در این خصوص] مطالعاتی موردی درباره‌ی ایالات متحد امریکا صورت گرفته، اما کاری در گستره جهانی انجام نشده است. همان‌طور که رشته جامعه‌شناسی در کلیت خود در کشورهای گوناگون تفاوت‌های بسیار دارد، از آنجا و آن‌جا که رای جامعه‌شناسی مردم‌مدار نیز بسیار متنوع است.

برای درک این سنت‌های غنی و متنوع جامعه‌شناسی مردم‌مدار، به صرافت افتادم گفت‌وگویی بین آن‌ها برقرار کنم تا از یک‌دیگر بیاموزم. خواستم شبکه‌ای جهان‌گستر از نهادهای [فعال در حوزه] جامعه‌شناسی مردم‌مدار تشکیل دهم و توش‌وتوان تازه‌ای به کردوکار آن بیخشم. ابتدا کوشیدم دو نهاد را در این میدان با یک‌دیگر مرتبط کنم — CREA^۲ در بارسلونا و SWOP^۳ در ژوهای. هر یک اما

1. practice

۲. Centre for Research on Theories and Practices for Overcoming Inequalities: مرکز پژوهش درباره‌ی تئوری‌ها و اقدامات لازم برای غلبه بر نابرابری، وابسته به دانشگاه بارسلونا.

۳. Society, Work and Development Institute: مؤسسه جامعه، کار، و توسعه وابسته به دانشگاه ویت‌واترزند در افریقای جنوبی.

از این راه کاری از پیش نرفت. هریک از آن‌ها برای اجرای پروژه‌های خودشان گیر و گرفتار بودند — مقاله‌های مربوط به این دو در این مجموعه به خوبی شدت این گرفتاری‌ها را نشان می‌دهند و مشخص است برای گپ و گفت با دیگران وقتی ندارند. بنابراین، برای برقراری ارتباط بین جامعه‌شناسان مردم‌مدار متفاوت که در اقصا نقاط جهان پراکنده بودند، راه دیگری در پیش گرفتیم و شرایطی ترتیب دادیم که بتوانند به کمک اسکایپ با دانشجویان دانشگاه برکلی گفت و گو کنند. تجربه آموزشی پیچیده و جالب توجهی بود که من و دستیارم، لاله بهبهانیان آن را در مقاله انتهایی این مجموعه توضیح داده‌ایم. این گفت و گوها به قدری شگفتی بودند که از مدعوان خواستیم آن‌ها را، با توجه به آنچه در جلسات مراسم‌ها شنیدیم، به مقالاتی مفصل‌تر دربارهٔ تجارب‌شان به‌منزلهٔ جامعه‌شناس مردم‌مدار در بافت و بسترهای متفاوت بدل کنند. این مجموعه مقالات حاصل همین امر است.

با این وصف، باید جامعه‌شناسان مردم‌مدار بسیار ویژه‌ای را به جلسات دعوت می‌کردیم. آنان باید عمیقاً در بافت و بستر محلی‌شان ریشه می‌داشتند، می‌توانستند جامعه‌شناسی را به زبان و تجربه محلی ترجمه کنند، و البته به همین اندازه باید می‌توانستند به زبان عام‌تر جامعه‌شناسی سخن بگویند تا برای دانشجویان دورهٔ کارشناسی در دانشگاه برکلی و همچنین جامعه‌شناسان کشورهای متفاوت فهم‌پذیر باشد. باید جهان‌وطن‌هایی^۱ مجرب و در عین حال روشنفکران محلی سرشناسی می‌بودند. لازم بود در دو مدار کاملاً مجزا در گردش باشند: یکی مبتنی بر زبان محلی و دیگری مبتنی بر زبان جهانی انگلیسی، و می‌بایست در این دو جهان کاملاً متفاوت دستی داشته باشند. باید مشاهده‌گرانی مشارکت‌کننده در عرصهٔ محلی‌شان و مشارکت‌کنندگانی مشاهده‌گر در پهنهٔ جهانی می‌بودند. این

اندیشمندان عمیقاً نامعمول علوم اجتماعی مجبور بودند با دو چالش سروکله بزنند: هم جامعه‌شناسانی مردم‌مدار باشند هم بتوانند این تجربه را برای مخاطبانی در اقصا نقاط جهان به طرزی فهم‌پذیر ترجمه کنند. کسانی که به این جلسات دعوت شدند، الهام‌بخش‌ترین جامعه‌شناسانی‌اند که می‌شناسم.^۱

ذه مقاله مجموعه حاضر — از اسپانیا، فرانسه، کلمبیا، چین، هند، روسیه، آفریقای جنوبی، ایالات متحده آمریکا، لبنان، و فیلیپین — چارچوب پیش‌گفته را [مبتنی بر تقسیم کار] به چالش می‌کشند؛ نه به سبب آن‌که این چارچوب در ایالات متحده ام‌یکا تدارک دیده شده، بلکه چون از نقد دانش آکادمیک بیرون آمده و با ملاحظات آکادمیک نیز مقید است. اما اگر بخواهیم به کردوکار جامعه‌شناسی مردم‌مدار بپردازیم، چندان فایده‌ای ندارد که این چارچوب را برای توضیح اهمیت تقسیم کار آکادمیک به کار ببریم، بلکه بیشتر پرداختن به بستر سیاسی [این بحث] است که اهمیت دارد. به جای پرسش از دانش برای چه کسی (مخاطب دانشگاهی یا مخالف برون‌دانشگاهی)، لازم است به رابطه بین علم و سیاست تأکید کنیم. جامعه‌شناسی‌های مردم‌مدار و سیاست‌گذار به سبب فعالیت‌شان در [میدان] سیاست باید به جامعه‌شناسی‌های حرفه‌ای و انتقادی پاسخ‌گو باشند. این فقط در صورتی میسر است که میدان‌های آکادمی و سیاست با یک‌دیگر تلاقی یابند. بنابراین، مهم است که سیاست و نقاط تلاقی میدان‌های سیاست و آکادمی در بافت و بسترهای ملی متفاوت، و رده‌مورد شناسایی شوند.

همین‌که به میدان‌های [آکادمی و سیاست] بیندیشیم، باید به کنشگران هم

۱. ویدئوی این جلسات به نشانی زیر در دسترس است:

<http://www.isa-sociology.org/en/publications/videos/global-courses/public-sociology/>

البته در مجموعه مقالات حاضر، به جای مانوئل کاستلز، که از مدعوان این جلسه‌ها بود، مقاله‌ای از آنا تمکینا و النا دراؤمیسلاوا جایگزین شده است.

بپردازیم، و بنابراین به جای بُعد دوم [در این چارچوب] — متشکل از دانش‌های ابزاری و بازاندیشانه — باید به کنشگران غالب و مغلوب توجه کنیم. در میدان آکادمی، فعالان جامعه‌شناسی حرفه‌ای بر جامعه‌شناسان انتقادی مسلط‌اند، در حالی که در میدان سیاست جامعه‌شناسان سیاست‌گذار که به قدرت وصل‌اند بر جامعه‌شناسان مردم‌مدار مسلط‌اند که با جامعه مدنی ارتباط دارند. در بازسازی این دو بُعد، باید به جای تقسیم کار آکادمیک (یا تقسیم کار در تولید دانش)، به تحلیل سرشت میدان‌های آکادمی و سیاست و تلاقی این دو بپردازیم. با این نگاه می‌توانیم بر دو کارهای پراکنده و متفاوت جامعه‌شناسان مردم‌مدار را شرح دهیم و به ننگنه‌یی بپردازیم که آن‌ها در مقام افرادی دانشگاهی در فعالیت قلمرو غدارِ سیاست پیش‌رو دارند. آنان درگیر اقدامی پُرمخاطره‌اند — هم به ثبات موجود در دانشگاه می‌زنند و هم در قالب قواعد عرصه سیاست در پی کسب مقبولیت‌اند.

چنین اقدام پُرمخاطره‌ای به نازک‌ترین نوانسته دوام بیاورد، و در سیر زمان یا به سمت میدان آکادمیک بازگشت یا در مسیر میدان سیاست پیش رفته است. با وجود این، چنان‌که موردهای مطرح در کتابت این مجموعه نشان می‌دهند، جامعه‌شناسی مردم‌مدار، به‌رغم همه دشواری‌ها، همچنان هم در میدان سیاست حضورش معنادار است هم در میدان آکادمی. و در مقاله پیش‌رو خواهم گفت که، اگر میدان آکادمی بخواهد بقا یابد لازم است دانشگاهیان راهی میدان سیاست شوند. به‌خصوص جامعه‌شناسان [در این مسیر] نقشی ویژه در تأییدیت دارند، چرا که تخصص‌شان آن‌ها را برخلاف میدان‌های مدام رو به گسترش سیاست و اقتصاد به علائق و منافع جامعه مدنی پیوند می‌زند.